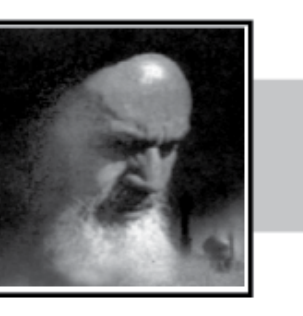
درمکتب امام



افسوس از این روشنفکران

بارها تذکر دادیم که باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکا به آمریکا و شوروی و انگلستان -این جهانخواران بین‌المللی- استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی خویش را به دست گیرد و روی پای خود بایستد و هویت اصیل خویش را به جهان عرضه کنند. افسوس که هنوز عده‌ای از روشنفکران نمی‌توانند دست از غرب و یا شرق بکشند؛ و این دو را سر مشق کارهای خود قرار داده‌اند.

صحیفه امام؛ ج۹؛ ص۲۵ | قم؛ ۱۸تیر ۱۳۵۸

سالگرد سفر ابدی حاج حسن شایانفر
و حاج ابراهیم حاجی محمدزاده

نیمه‌های پنهان سرداران جنگ نرم

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

دقیقا ۱۰ سال گذشت از آن روز و خبری که اصلا برایش آمادگی نداشتیم. گویی ۶ سال قبلش که حاج حسن شایانفر از آن بیماری سخت خلاص گردید، دیگر خیالمان راحت شد اگرچه هر وقت او را می‌دیدیم ضعف جسمانی‌اش مشخص بود و انگار روز به روز بیشتر ضعیف می‌شد. ولی توان کار و فعالیت و جهادش کم که نشده بود، بیشتر هم نشان می‌داد.

اما در آن روز ۲۹ آبان ۱۳۹۵ که برخی از دوستان در هنگامه پیاده‌روی اربعین و یا برگزاری مراسم جاماندگان بودند، بالاخره خبر آمد، حاج حسن به سفر ابدی رفت. نه تنها برای نزدیکان و یارانش بلکه حتی از نظر افراد دورتر هم باورکردنی نبود. یعنی آن گنجینه اخلاص و ایمان و علم و بصیرت و ولایتمداری خاموش شده بود.

دو روز بعد در کنار قطعه ۷۲ بهشت زهرا و در مراسم خاکسپاری حاج حسن غوغایی بود، همان جایی که مرقد مطهر حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در بالای سمت راستش قرار دارد و به وضوح دیده می‌شود. خیلی‌ها حضور داشتند از سرداران سپاه و رجال سیاسی تا فرهنگیان و هنرمندان و تا خبرنگاران و اهالی رسانه که از همان مسجد حضرت علی ابن موسی الرضا (علیه‌السلام) در نزدیکی منزل مرحوم، مراسم را پیگیری کرده بودند، همان جایی که حاج حسن را غسل دادند و به امامت حجت‌الاسلام سید رضا تقوی بر پیکرش نماز گزاردند.

حالا همه در قطعه ۷۲ بودند، در کنار مرقد مطهر امام، درست بالای سر مزار پسر نوجوان و ناکام حاج حسن که حدود ۲۰ سال داغ او را بر قلبش تحمل کرده بود. اما هنوز یک نفر نیامده بود، یکی از دوستان نزدیک و همراهان حاج حسن در مؤسسه کیهان؛ حاج ابراهیم حاجی محمدزاده که بالاخره سراسیمه و نفس زنان رسید. به رغم دشواری و سختی بسیار، خودش را با اتومبیل شخصی رساند، جمعیت را شکافت و به بالای پیکر حاج حسن رسید.

همه آنهائی که سردار محمدزاده را از نزدیک می‌شناختند، می‌دانستند او اصلا اهل تعارف و زیاده‌گویی نیست و بی‌پرده و صریح حرفش را می‌زند. بارها بحث‌هایش را بر سر مسائل مختلف با حاج حسن دیده بودیم. اما او دست راستش را بالا برد و با بغضی در گلو اما با صدایی رسا گفت: «شهادت می‌دهم که حاج حسن شایانفر انسانی صادق و پاک و درستکار و با بصیرت بود.»

حاجی محمد زاده از سوز دل می‌گفت و حاضرین می‌گریستند. می‌گفت چقدر باید روزگار بچرخد و بگردد تا مردی مانند شایانفر به میدان بیاید. و طرفه آنکه ۳ سال بعد در همین روز، او نیز دعوت حق را لبیک گفت.

رابطه حاج حسن شایانفر و سردار محمدزاده، خیلی عجیب بود، هر دو در میدان مجاهده فرهنگی و جنگ نرم کارهایی کارستان انجام داده بودند، هر دو از نسل اول دفتر سیاسی سپاه پاسداران و هر دو سخت مورد خشم و کینه دشمنان اسلام و انقلاب بودند، هر دو عاشقانه برای دین و مملکت و نسل جوان کار کردند و هر دو در روز ۲۹ ماه آبان، به دیار باقی پر کشیدند.

از سال‌های سخت دهه ۶۰ تا کیهان دهه ۷۰

حاج حسن شایانفر از همان ایام سخت دهه ۶۰ و اوج ترورهای وحشیانه گروهک‌ها به خصوص تروریست‌های موسوم به مجاهدین خلق (منافقین) به زندان‌ها رفت و آمد داشت و در کنار یار و رفیق دیرین خود حاج حسین شریعتمداری، شبانه‌روز تلاش کرد تا جوانان فریب‌خورده و قربانی گروهک‌ها را ابتدا از فجایع‌شان آگاه ساخته و بعد به راه اسلام و انقلاب بازگرداند و خدا گواه است که چه جوانانی را به مسیر درست و انسانی آورد و بعضا از آنها افرادی در خدمت انقلاب و اسلام ساخت.

او آگاه ساختن جوانان را پس از سال‌های دهه ۶۰ ادامه داد و حتی در همین اواخر زندگی پربرکتش بارها تاکید داشت که بسیار در مسئله آگاهی نسل جوان که در معرض رگبار افکار دشمنان انقلاب و اسلام قرار دارد، عقب هستیم و کارهای نیمه تمام زیادی بر دوش داریم.

حاج حسن جوّ فرهنگی و رسانه‌ای جعلی ایجاد شده از خارج و داخل را عامل اصلی انحراف جوانان می‌دانست و از همین روی از همان دهه ۶۰ در دفتر سیاسی سپاه به رصد فضای رسانه‌ای پرداخت و در این مسیر، به تهیه جزوه‌های روشنگر و افشاگر متعددی همت گمارد که چراغ راه بسیاری از جمله برخی مسئولین گردید.

سرانجام از اوایل دهه ۷۰ همراه حاج حسین شریعتمداری به کیهان آمد و فصلی نوین و پربار در این نشریه پرتیراژ و قدیمی گشود. برپایی دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان و جمع‌آوری و تدوین همه دانسته‌ها و تجربیات سال‌های سالش درباره دشمنان فرهنگی و سیاسی این سرزمین(که بعضا پس از سالها فرار و فعالیت علیه انقلاب و کشور، تحت عنوان روشنفکر و نخبه و مغزهای ارزشمند باز می‌گشتند!) را با تحقیقات و پژوهش‌های جدید و تکمیلی جمع‌آوری کرد، نسل جوان پژوهشگر را در این دفتر گرد آورد، راه و چاه را به آنها آموخت و از مجموع همه این داشته‌ها، ۶۰ جلد کتاب تحت عنوان «نیمه پنهان» و ۵ جلد هم از رازهای تشکیلات روتاری به نام «معماران تباهی» منتشر کرد که هنوز در میان کتاب‌هایی از این دست، بی‌نظیر یا حداقل کم نظیر به نظر می‌رسند.

و در کنار این کتاب‌ها دهها جلسه سخنرانی در مراکز مختلف دینی و علمی از جمله دانشگاه‌ها و حوزه‌ها و جلسات پر شور پرسش و پاسخ برگزار نمود. صفحه پاورقی کیهان که یک روز درمیان منتشر شده و می‌شود، اولین محل ارائه مطالبی بود که بعدا در کتاب‌های مجموعه «نیمه پنهان» به چاپ رسید. (و هنوز این روال وجود دارد) حاج حسن به این صفحات، بسیار امید بسته بود و براین باور بود که افشاگری و روشنگری در این صفحات می‌تواند آگاهی در یک نسل را بالا ببرد. شاید از همین روی بود که در یکی از آخرین تماس‌های تلفنی از بستر بیماری با صدایی ضعیف، اصرار داشت که بگوید «نگذارید این چراغ خاموش شود».

او مرید امام و حضرت آقای شهید بود. از آقا که سخن می‌گفت، گویی در چشمانش برقی از امید و ایمان می‌درخشید. بیانات حضرت آقا برایش ختم کلام بود. همیشه از مظلومیت آقا می‌گفت و از صبر و حلم و توکل ایشان که در چه شرایط دشواری انقلاب را رهبری کرده و می‌کنند.

یادگاری در دو اتاق و یک کتابخانه

واقعا اگر کسی از نزدیک او و دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان را ندیده بود، تصور می‌کرد حداقل یک ساختمان چندین طبقه با امکانات فراوان و دهها نویسنده و پژوهشگر، چنان مجموعه وزینی را می‌تواند انتشار دهد و هرگز تصور نمی‌کرد که همه این دفتر پژوهش‌ها، شامل دو اتاق و یک کتابخانه کوچک باشد که اغلب حاج ابراهیم حاجی‌محمدزاده در آن کتابخانه به تحقیق و نوشتن مشغول بود.

حاج ابراهیم، به طور انحصاری و تخصصی بر روی سخنان حضرت امام کار و تحقیق می‌کرد و هر وقت او را می‌دیدیم، چند جلد از کتاب‌های «صحیفه نور» را زیر بغل یا روی میزش داشت. هر وقت او را می‌دیدیم، جمله یا فرمایشی از امام را که به تازگی عمق دیگری از آن را یافته بود، با تمام وجود و عشقی که به امام داشت، چندین بار با تاکید و صدای بلند تکرار می‌کرد تا ما را شیرفهم کند.

یکی از آن ایامی که به تشدید بیماری و بستری شدنش انجامید، مثل همیشه بدون خبر به اتاق آمد و بی‌مقدمه‌چینی گفت که کتاب «شرح حدیث جنود عقل و جهل» از امام را حتماً باید بخوانید و اگر نخوانید، نمی‌توانید انقلاب و رهبری امام را بفهمید.

از دفتر سیاسی تا خاطره نگاری جنگ

حاج ابراهیم یکی از قدیمی‌های انقلاب به شمار می‌رفت و سال‌های متعددی پیش از پیروزی انقلاب را در مبارزه علیه رژیم شاه گذرانده بود. او بنیانگذار دفتر سیاسی سپاه بود که نقشی عظیم در گسترش فرهنگ سیاسی انقلاب داشت و در دهه ۱۳۶۰ به معتبرترین تشکیلات تحلیل سیاسی کشور تبدیل گردید. حاجی محمدزاده با نگرانی که از تحریف تاریخ جنگ وجود داشت از خرداد ۱۳۶۰، بخش جمع‌آوری خاطرات جنگ را در سپاه برعهده گرفت. تهیه هزاران ساعت صوت جلسات، طرح‌ریزی و هدایت مصاحبه با فرماندهان یگان‌ها و مقادیر زیادی اسناد و منابع به جای مانده از دوران دفاع مقدس، جذب و آموزش و سازماندهی و به کارگیری حدود ۲۰۰ راوی و تاریخ نگار صحنه نبرد، حاصل تلاش‌های سردار محمدزاده و یارانش بود.

این مجاهدت‌ها در سپاه برای راه‌اندازی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مجموعه بی‌نظیری از اسناد، صوت‌ها و تصاویری ناب از صحنه‌های نبرد در ۸ سال دفاع مقدس حاصل آورد که در مقیاس خود از بسیاری تحریفات سال‌های دفاع مقدس جلوگیری کرد.

حاجی محمدزاده کمی قبل از انتخابات سال ۱۳۸۴ بود که تصمیم گرفت در کیهان مستقر شود و جلسات مطالعه صحیفه امام را برای آشنایی نسل جدید با خط امام راه‌اندازی کند. کاری که تا آخرین روزها در کیهان به آن مشغول و ثمره‌اش انتشار چندین مقاله و تربیت شاگردان متعدد بود. پس از سفر ابدی آن دو یار انقلابی، اگرچه اتاق‌های دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان از شور و حضور آنها خالی شد ولی همان گونه که حاج حسن می‌خواست و در آخرین سخن تلفنی‌اش هم تاکید داشت، کتاب‌های «نیمه پنهان» همان طور روشنگر و افشاگر به چاپ رسیدند و صفحات پاورقی هم همچنان با نشر آگاهی و افشای انحراف منتشر شدند. در این ۱۰ سال فقدان حاج حسن، علی‌رغم همه موانع و دشواری‌ها و مشکلات اما به یاری خدا، عدد کتاب‌های «نیمه پنهان» از ۶۰ به ۷۰ نزدیک شده و چراغی که حاج حسن شایانفر روشن کرد، پس از او هم فروزان ماند و روشنایی بخشید.

گزارش روز دویست و شصت و چهارم جنگ

آبروریزی در مجلس سنا
وزارت جنگ آمریکا هزینه‌های جنگ را نمی‌داند!

آتش‌بازی در کویت و بحرین همراه با شکار در تنگه هرمز

روز دویست و شصت و چهارم از جنگ با یک آتش‌بازی ویژه در کویت و بحرین آغاز شد. نیروهای مسلح ایران در پاسخ به تجاوز دشمن آمریکایی-صهیونی به جزیره قشم؛ پایگاه‌های آمریکا در کویت و بحرین را زیر ضرب گرفت.

ابتدا منابع محلی در کویت و بحرین از شنیده شدن صدای انفجار در این مناطق خبر دادند. اندکی پس از این گزارش تصاویر آتش‌سوزی مهیب در کویت نیز منتشر شد. در بحرین نیز آژیرهای هشدار به صدا درآمد و وزارت امور داخلی جزیره بحرین با صدور اطلاعیه‌ای از ساکنان این جزیره خواست به مکان امن بروند. اما مردم بحرین چندان به این هشدار اعتنا نکردند و چون می‌دانستند نیروهای مسلح ایران هرگز برادران مسلمان خود را هدف حمله قرار نمی‌دهند؛ نشان به آن نشان که همزمان فیلمی از مردم بحرین منتشر شد که آن‌ها را در حال تماشای حملات ایران نشان می‌داد و اتفاقاً آن‌ها بعد از انفجار در پایگاه‌های آمریکا با ندای «الله اکبر» همراهی خود با این حملات را نشان می‌دادند.

بحرین دست‌کم در دو موج هدف حمله قرار گرفت و منابع خبری هدف حملات پهپادی ایران را پایگاه هوایی «شیخ عیسی» اعلام کردند که مورد استفاده نیروهای تروریستی ارتش آمریکا قرار داشت. در کویت نیز پایگاه علی‌السالم هدف پهپادهای ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. بنابر اطلاعیه ارتش پهپادهای رزمی انهدامی، سامانه‌های پدافندی پاتریوت و لانچرهای پرتاب پهپاد و موشک ارتش تروریستی آمریکا در پایگاه علی‌السالم کویت را هدف قرار دادند.

در اولین ساعات پس از حملات ایران برخی رسانه‌های عربی از کشته و مجروح شدن نیروهای تروریستی ارتش آمریکا خبر دادند. پس از آن داده‌های هوایی فلایت‌رادار نشان داد که یک هواپیمای C-17 نیروی هوایی آمریکا از پایگاه هوایی رامشتاین آلمان به مقصد غرب آسیا به پرواز درآمده است. بنابر اعلام مولو مانیتور این هواپیما برای تخلیه پزشکی مجروحان به‌کار گرفته می‌شد و با شناسه پروازی BNDGE01 فعالیت می‌کرد.

شکار پهپاد و کشتی در روز دویست و شصت‌وچهارم جنگ هم ادامه داشت. روز گذشته سازمان عملیات تجارت دریایی انگلیس اعلام کرد یک نفتکش در تنگه هرمز هدف اصابت پرتابه‌ای ناشناس قرار گرفته است. بر اساس بیانیه این سازمان، حادثه در ۱۳ مایل دریایی شمال خصب در عمان رخ داده و پس از اصابت پرتابه، نفتکش دچار آتش‌سوزی شده است. آتش‌سوزی مهار شده، اما یکی از خدمه همچنان مفقود است. عصر دیروز نیز ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد یک فروند پهپاد MQ-9 در شرق تنگه هرمز، با آتش سامانه‌های بومی نیروی پدافند هوایی ارتش مستقر در جنوب شرق کشور و تحت کنترل شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور شناسایی و با اقدام به‌موقع منهدم شد.

تنگه هرمز و تنگنای محصولات کشاورزی

یکی از عوارض مسدود شدن تنگه هرمز تأثیر آن بر تأمین کودهای شیمیایی در جهان است. روز گذشته رسانه‌های غربی به انتشار تازه‌ترین آمار از این وضعیت پرداختند. بر این اساس اختلال در انتقال گوگرد از تنگه هرمز، زنجیره تأمین مواد اولیه کودهای فسفاته را با مشکل مواجه کرده است؛ به‌طوری‌که قیمت جهانی گوگرد در نیمه نخست ۲۰۲۶ تقریباً ۳ برابر شده و تجارت جهانی کودهای فسفاته نیز حدود ۲۲ درصد کاهش یافته است. طبق داده‌های Global Trade Atlas، صادرات کود فسفاته چین در این دوره ۴۵۴ هزار تن، مراکش ۳۷۴ هزار تن و عربستان ۳۶۲ هزار تن نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش داشته است. گوگرد ماده اولیه تولید اسید سولفوریک و از نهاده‌های اصلی تولید کود فسفاته است؛ محدودیت عرضه این ماده، هزینه تولید کود را افزایش داده و در صورت تداوم می‌تواند تأمین کود و هزینه تولید محصولات کشاورزی را تحت فشار قرار دهد.

گزارش‌های مضحک رسانه‌های آمریکایی را مقامات آمریکا هم باور ندارند!

با گذشت دو روز از انتشار گزارش کذب و مضحک نیویورک‌تایمز درباره ارتباط سدهای ایران با شهرهای موشکی؛ این گزارش همچنان مورد انتقاد کاربران انگلیسی‌زبان فضای مجازی قرار دارد. واکنش‌ها در افکار عمومی آمریکا به این گزارش گسترده بوده و عموماً با نقد این گزارش آن را نوعی تبلیغات جنگی خوانده‌اند. در همین زمینه یکی از کاربران انگلیسی‌زبان خطاب به گردانندگان نیویورک‌تایمز نوشته: «شما از ارتکاب جنایات جنگی حمایت می‌کنید. این روزنامه‌نگاری نیست.» یکی دیگر از کاربران تأکید کرده است که: «رسانه‌های غربی تحت مدیریت صهیونیست‌ها، به‌طرز شرم‌آوری، حداقل می‌توان گفت، ننگ‌آور بوده‌اند.» و یک نفر نیز این‌طور واکنش نشان داده است: «این روزنامه‌نگاری نیست؛ معادل تبلیغات در سطح نازی‌ها برای توجیه جنایات جنگی وحشتناک است.»

تقریباً همزمان با نیویورک‌تایمز، شبکه آمریکایی CNN نیز مدعی اقدامات تروریستی ایران در آمریکا شده بود و از جمله به حمله شیمیایی و انفجار بمب کثیف در آمریکا توسط ایران اشاره کرده بود. این گزارش نیز به اندازه گزارش روزنامه نیویورک‌تایمز مضحک و کذب بود تا جایی که حتی مقامات آمریکایی نیز به تکذیب آن پرداختند. روز گذشته مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا خبر CNN مبنی بر تصمیم ایران برای حمله به مقامات آمریکایی در خاک این کشور را تکذیب کرد و گفت: «هیچ تهدیدی از جانب ایران علیه خاک آمریکا نیست.»

وزارت جنگ آمریکا هزینه‌های جنگ را نمی‌داند!

در روز دویست و شصت و چهارم جنگ جلسه مجلس سنای آمریکا برای بررسی صلاحیت گزینه پیشنهادی دونالد ترامپ برای ریاست اداره نیروی دریایی در وزارت جنگ آمریکا هم دیدنی بود. «هونگ کائو» در این جلسه اعتراف کرد که نیروهای تروریستی ارتش آمریکا در جنگ تحمیلی اخیر علیه ایران، تاریخ مصرف مهمات منقضی‌شده را تغییر داده و استفاده کردند. اعترافی که بار دیگر مشکل آمریکا در تأمین مهمات جنگ را یادآوری می‌کرد. او همچنین اعتراف کرد که به دنبال تصمیم احمقانه آمریکا در حمله به ایران هزینه حمل‌ونقل دریایی به‌شدت افزایش یافته و گفت: «پارسال هزینه بیمه برای عبور از تنگه هرمز ۵۴ هزار دلار بود و حالا به ۶۴ میلیون دلار رسیده!»

اما شاید جالب‌ترین صحنه در این جلسه مربوط به پرسش و پاسخ «الیزابت وارن» سناتور آمریکایی با هونگ کائو باشد. وارن از سرپرست نیروی دریایی دولت ترامپ پرسید: «هزینه روزانه محاصره دریایی ایران برای آمریکا چقدر است؟» کائو اما این هزینه را نمی‌دانست و گفت: «نمی‌دانم.» این پاسخ با تعجب سناتور آمریکایی مواجه شد و او در سؤال دیگری از کائو پرسید: «یعنی هیچ اطلاعی ندارید؟ از بهار [ماه آوریل] شما مسئول اجرای این عملیات بوده‌اید. وقتی ایران در ماه ژوئن به پایگاه دریایی ما در بحرین حمله کرد، آن حمله چقدر برای ما هزینه داشت؟» پاسخ سرپرست نیروی دریایی آمریکا مثل قبل بود و او باز هم اطلاعی نداشت و گفت: «باید میزان خسارت را ارزیابی کنیم و هنوز هم باید برای بررسی آن به آنجا برویم.» این پاسخ نیز با واکنش تعجب‌آمیز «الیزابت وارن» مواجه شد: «یعنی تازه در ماه نوامبر به فکر ارزیابی خسارت افتاده‌اید؟!»

تنها دستاورد ترامپ شکست است

روز گذشته نیز مانند روزهای پیشین، یکی دیگر از اساتید مطرح دانشگاه آمریکا نیز به شکست آمریکا و پیروزی ایران در جنگ اعتراف کرد. پروفسور جان مرشایمر، دانشمند برجسته علوم سیاسی و استاد دانشگاه شیکاگو در یک مصاحبه اینترنتی با اشاره به تقلای دولت آمریکا برای خارج شدن از باتلاق جنگ گفت: «این آمریکا بود که به دنبال آتش‌بس بود چون اصلاً نشانه‌ای از پیروزی نداشت. ترامپ پاکستانی‌ها را برای برقراری آتش‌بس تحت فشار گذاشت تا ایران را متقاعد کنند.» مرشایمر تأکید کرد اگر آمریکا جنگ را تشدید کند، ایران قطعاً پاسخ شدید خواهد داد و ادامه داد: «ایران است که دست بالاتر را دارد و اوست که پیروز خواهد شد.» او درباره شرایط ایران پس از این جنگ نیز گفت: «وضعیت و موقعیت ایران بعد از جنگ، به‌مراتب بهتر از قبل جنگ خواهد شد و تنها دستاورد ترامپ، شکست در برابر ایران است.»

فرسایش قدرت آمریکا و ظهور ایران به‌عنوان گره‌گاه ساختاری غرب آسیا

جنگ کنونی ایران با آمریکا و رژیم صهیونیستی تا زمانی ادامه دارد که نظم قدیم منطقه از میان رفته و نظم جایگزین آن که ایران یکی از معماران اصلی آن است، شکل نگرفته و تثبیت نشود.

جنگ کنونی میان ایران از یک سو و آمریکا و رژیم صهیونیستی از سوی دیگر، در ظاهر یک رویارویی نظامی است، اما در لایه‌ای عمیق‌تر، نبردی بر سر معماری نظم منطقه‌ای است. نظم پیشین غرب آسیا - که بر هژمونی آمریکا، چتر امنیتی واشنگتن بر کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و برتری نظامی مطلق اسرائیل استوار بود - در نتیجه همین جنگ از درون فروریخته و دیگر قادر به بازتولید خود نیست.

تا زمانی که نظمی جایگزین و پایدار در منطقه شکل نگیرد و مؤلفه‌های قدرت در آن تثبیت نشود، تداوم جنگ و تنش، ویژگی ساختاری این دوره گذار خواهد بود. در این میان، ایران نه یک بازیگر حاشیه‌ای، بلکه یکی از معماران اصلی نظم در حال ظهور است.

بن‌بست راهبردی: شکست منطق «پیروزی سریع»

آمریکا و رژیم صهیونیستی جنگ را با این فرض آغاز کردند که ضربه‌ای قاطع و کوتاه، ساختار فرماندهی ایران را فرو خواهد پاشاند و تهران را به عقب‌نشینی وادار می‌کند. این فرض، بر اساس واقعیات میدان، شکست خورده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که آمریکا و اسرائیل «قادر به تحقق اهداف اصلی خود، از جمله تغییر حکومت، نابودی برنامه هسته‌ای و بازگشایی تنگه هرمز از طریق زور، نیستند» و در عوض با یک «جنگ فرسایشی واقعی» روبه‌رو شده‌اند.

ارزیابی‌های نظامی نیز تردید جدی درباره امکان دستیابی به اهداف موردنظر در بازه‌های زمانی کوتاه مانند «سه روز» را تأیید می‌کنند. آنچه میدان نبرد نشان داده، برتری مطلق تسلیحات متعارف نیست، بلکه توانایی ایران در تحمیل یک الگوی «فرسایشی» به طرف مقابل است: وسعت سرزمینی، پراکندگی جمعیت و توانمندی‌های نامتقارن - موشک‌ها و پهپادهای ارزان‌تر و شبکه متحدان منطقه‌ای - به ایران اجازه می‌دهد درگیری را بدون نیاز به برابری با قدرت آتش متعارف آمریکا یا اسرائیل، طولانی کند.

حتی پس از ماه‌ها بمباران، زرادخانه موشکی و پهپادی ایران، نه‌تنها به‌طور قابل‌توجهی بازسازی شده و توان تولید آن حفظ شده است، بلکه نسبت به قبل تقویت شده است. این بن‌بست، مهم‌ترین نشانه فروپاشی نظم قدیم است: نظمی که در آن، اراده واشنگتن و تل‌آویو می‌توانست تحولات منطقه را در چارچوب دلخواه خود شکل دهد، دیگر وجود ندارد.

فروپاشی نظم امنیتی قدیم از درون

نظم پیشین غرب آسیا نه تنها در برابر ایران، بلکه در ساختار درونی خود نیز ترک خورده است. کشورهای حاشیه خلیج‌فارس که دهه‌ها امنیت خود را به چتر آمریکایی گره زده بودند، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که واشنگتن نه تضمین‌کننده قابل‌اعتماد و نه بازیگر منسجمی است. پیمان دفاعی مشترک عربستان، ترکیه و پاکستان - معروف به پیمان مکه - که در اوت ۲۰۲۶ امضا شد، دقیقاً واکنشی به همین خلأ است.

این پیمان، هرچند هنوز نهادینه نشده، نشان‌دهنده حرکت به سمت یک «معماری دفاعی متقابل» با محوریت ریاض و نه واشنگتن است. همزمان، شکاف در «تفاهم راهبردی» آمریکا و اسرائیل آشکارتر از هر زمان دیگری شده است: واشنگتن به دنبال حفظ هژمونی با هزینه کمتر است، در حالی که رژیم صهیونیستی برتری امنیتی مطلق را دنبال می‌کند و حتی گزینه اقدام نظامی یکجانبه را حفظ کرده است.

مهم‌تر از آن، کشورهای منطقه - از عربستان و قطر تا ترکیه، عراق و پاکستان - به‌طور آشکار و پنهان مخالفت خود را با حمله دوباره به ایران اعلام کرده‌اند. این تحولات یک معنای روشن دارد: نظم امنیتی تحت رهبری آمریکا دیگر نه مطلوب است و نه عملی.

ایران به‌مثابه گره‌گاه ساختاری نظم نوین

ایران در این معادله، نه با تکیه بر یک پیروزی نظامی کلاسیک، بلکه با اتکا به‌موقعیت ساختاری خود، به یکی از «بازیگران تعیین‌کننده در شکل‌دهی به نظم آینده غرب آسیا» تبدیل شده است. این جایگاه از سه منبع قدرت سرچشمه می‌گیرد که درهم تنیده‌اند.

نخست، قدرت بازدارندگی و کنترل گره‌گاه انرژی. ایران با حفظ توان موشکی و پهپادی خود - برخلاف ارزیابی‌های اولیه - توانسته است معادله هزینه‌فایده را برای طرف مقابل تغییر دهد. در همین چارچوب، تنگه هرمز به ابزاری راهبردی در دست تهران تبدیل شده است.

واقعیت میدانی نشان می‌دهد که این آبراه دیگر یک مسیر بین‌المللی آزاد نیست؛ تردد دریایی به‌شدت کاهش یافته و کشتی‌ها در عمل تحت نظارت ایران و با اجازه‌نامه آن تردد می‌کنند. حتی مقام‌های آمریکایی پذیرفته‌اند که بازگشایی اجباری تنگه هرمز با زور، جنگ را از بازه زمانی برنامه‌ریزی‌شده فراتر می‌برد و احتمالاً از آن صرف‌نظر خواهند کرد. این یعنی ایران در عمل، در یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های اقتصاد جهانی، قدرت وتو دارد.

دوم، دیپلماسی منطقه‌ای و ابتکار نظم‌سازی. ایران همزمان با مقاومت نظامی، در حال هدایت یک فرآیند دیپلماتیک برای تعریف ترتیبات امنیتی جایگزین است. نشست چهارجانبه ایران، عربستان، ترکیه و پاکستان در تهران - نخستین گفت‌وگوی سطح بالای ایران با کشورهای پیمان مکه - بر این اصل استوار بود که «امنیت پایدار را نمی‌توان از قدرت‌های فرامنطقه‌ای وارد کرد» و تأمین امنیت باید با مشارکت کشورهای منطقه دنبال شود.

این ابتکار، ایران را از یک «تهدید» به یک «شریک ناگزیر» در هر ترتیبات امنیتی آینده تبدیل می‌کند. تحلیلگران حتی حضور بالقوه ایران در چارچوب پیمان مکه را فرصتی برای «تثبیت نقش منطقه‌ای، جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف‌های ضدایرانی و مشارکت در تعریف نظم امنیتی جدید» ارزیابی می‌کنند.

سوم، شبکه متحدان و عمق راهبردی. هرچند «محور مقاومت» ضرباتی متحمل شده، اما به گفته تحلیلگران ضعیف و فروپاشیده نیز نیست و حتی پس از جنگ در منطقه، دکترین وحدت الساحات را به اجرا درآورد. یمنی‌ها به‌عنوان فعال‌ترین عضو در برهه فعلی، توان خود را در تهدید امنیت دریایی و حملات به زیرساخت‌های عربستان گسترش داده‌اند؛ توان عملیاتی حزب‌الله به دلیل ترور فرماندهان سابق و دبیرکل آن، شهید سید حسن نصرالله، کمی آسیب دیده است اما همچنان ساختار آن قوی و هسته اصلی قدرت نظامی آن برای مقابله با رژیم صهیونیستی حفظ شده است؛ و جنبش‌های مقاومت عراقی همچنان در معادلات امنیتی عراق نقش‌آفرین‌اند.

چرا جنگ تا شکل‌گیری نظم جدید ادامه دارد؟

منطق تداوم جنگ را نه در اراده سیاسی طرفین، بلکه در خلأ ساختاری جست‌وجو کرد. نظم قدیم فروریخته است، اما نظم جدید هنوز متولد نشده است. در چنین خلأیی، هیچ یک از طرفین نمی‌تواند ترتیبات مورد نظر خود را بدون اعمال قدرت و بدون آزمودن اراده دیگری تحمیل کند. ایران خواهان به رسمیت شناخته شدن نقش خود به‌عنوان یک قطب امنیتی منطقه‌ای و پایان دادن به ترتیباتی است که آن را به حاشیه می‌رانند.

آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز حاضر نیستند بدون هزینه، از موقعیت مسلط پیشین خود عقب بنشینند. کشورهای منطقه نیز اگرچه از تداوم جنگ ناخشنودند، هنوز نتوانسته‌اند به یک اجماع پایدار درباره سهم و جایگاه ایران در نظم آینده برسند. تا زمانی که این سه سطح - یعنی پذیرش متقابل نقش ایران، بازتعریف روابط امنیتی آمریکا با متحدانش، و نهادینه شدن ترتیبات درون‌زای منطقه‌ای - به نقطه تعادل نرسند، درگیری به‌صورت‌های مختلف - از رویارویی مستقیم تا جنگ فرسایشی و تنش کنترل‌شده - تداوم خواهد یافت.

جنگ کنونی، یک جنگ برای حفظ نظم کهن در برابر ظهور نظمی نوین است. فروپاشی نظم تحت رهبری آمریکا، خلأ قدرت و بی‌ثباتی ایجاد کرده و تثبیت نظم جدید، بازتوزیع بنیادین قدرت را ضروری می‌سازد.

به گزارش مشرق، ایران با تکیه بر توان بازدارندگی نامتقارن، کنترل عملی گره‌گاه انرژی، دیپلماسی فعال منطقه‌ای و شبکه متحدان خود، در موقعیتی قرار گرفته که بتواند معماری امنیتی و سیاسی آینده غرب آسیا را به شکل معناداری رقم بزند.

بر این اساس، تا زمانی که این نظم جدید و مؤلفه‌های قدرت در آن تثبیت نشود، تداوم رویارویی، ویژگی ذاتی این دوره گذار خواهد بود؛ و ایران، به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌ترین معماران آن نظم، هم هزینه‌های جنگ را تحمل می‌کند و هم از قدرت ساختاری لازم برای شکل دادن به صلح آینده و نظم را برخوردار است.

تاکید نمایندگان در جلسه علنی صحن:

مردم درباره عملکرد وزیران و مدیران کم‌کار پاسخ می‌خواهند

عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس شورای اسلامی گفت: مردم از نمایندگان مجلس انتظار و سؤال بحق دارند که نحوه برخورد مجلس با وزیران و مدیران کم‌کار چیست و استیضاح وزیران به کجا رسیده است؟ نمایندگان باید در این زمینه پاسخ قانع‌کننده‌ای به مردم بدهند.

علی احمدی، نماینده مردم میاندوآب در مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی مجازی روز چهارشنبه (۲۷ آبان) مجلس در نطق میان‌دستور خود، با اشاره به شرایط کشور و حضور مردم در صحنه بیان کرد: این تریبون، تریبون ملت ایران است؛ ملتی که جهان را مات و مبهوت کرده و عظمت، بزرگی و شکست‌ناپذیری خود را به رخ جهانیان کشیده است.

وی با اشاره به تحولات منطقه و تهدیدهای آمریکا و رژیم صهیونیستی اظهار کرد: ملت بزرگ ایران با اتکا به خداوند متعال و با عنایت منجی عالم بشریت و اطاعت از نایب برحق امام شهید، جهان‌خواران را بدون انتقام رها نخواهد کرد. این ملت برای فتح قله نهائی مسیر انقلاب مبعوث شده و برای رسیدن به این قله راه درازی باقی نمانده است.

تغییر دولت‌ها و احزاب آمریکا تغییری در ماهیت دشمنی این کشور ایجاد نمی‌کند

احمدی با اشاره به ساختار سیاسی آمریکا گفت: در آمریکا حزب سرمایه‌داران حاکم است که دو شاخه جمهوری‌خواه و دموکرات دارد و به تعبیر معروف، سگ زرد برادر شغال است.

وی با استناد به بیانات رهبر انقلاب تأکید کرد: کسانی که هنوز اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند و تصور می‌کنند با امتیاز دادن به آمریکا می‌توانند این کشور را از دشمنی منصرف کنند، سخت در اشتباه هستند. این تصور باطل، ناسپاسی نسبت به فتوحات عظیمی است که ملت مسلمان ایران در سایه توکل، استقامت و مجاهدت به دست آورده است.

نماینده مردم میاندوآب در مجلس خاطرنشان کرد: امروز چشم‌انداز غلبه نهائی حق بر باطل، بیش از همه ادوار گذشته به عینیت نزدیک شده است.

این عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس در ادامه با اشاره به مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم گفت: امروز گرانی و تورم، مردم را به‌شدت رنج می‌دهد و سفره‌های مردم گواه این موضوع است؛ اما رنج بیشتر و بدتر، نبود اطمینان به تصمیمات برخی مدیران کشور است که نمی‌دانند فردا چه اتفاقی خواهد افتاد و همین موضوع بیش از تهدید دشمن، مردم را نگران و آزرده می‌کند.

وی افزود: مردم از نمایندگان مجلس انتظار و سؤال به‌حق دارند که نحوه برخورد مجلس با وزیران و مدیران کم‌کار چیست و استیضاح وزیران به کجا رسیده است؟ نمایندگان باید در این زمینه پاسخ قانع‌کننده‌ای به مردم بدهند.

این نماینده مجلس با بیان اینکه مردم ۲۶۲ روز است در میدان حضور دارند، اظهار کرد: مردم در عین آگاهی از شرایط جهان، منطقه و کشور، انتظار دارند مسئولان به معیشت آنان توجه کنند. مطالبه آنان درباره گرانی مایحتاج عمومی و دارو، قیمت بنزین، کاهش سهمیه سوخت کشاورزی، عدم پرداخت بموقع مطالبات گندم‌کاران، تعیین نشدن قیمت گندم پیش از آغاز فصل کشت و ضرورت کوتاه کردن دست دلالان از محصولات کشاورزی، مطالبه‌ای به‌حق است.

سلیمی: ایران با اقتدار در تنگه هرمز نظم امنیتی جدیدی ایجاد کرده است

حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی، عضو هیئت رئیسه مجلس نیز در جلسه علنی مجلس با اشاره به مواضع جمهوری اسلامی ایران در برابر آمریکا گفت: آمریکای بدعهد و بدذات باید بداند تا زمانی که هفت شرط ایران که به این کشور تفهیم شده، محقق نشود، هیچ راه جایگزینی وجود نخواهد داشت. کشورهای منطقه نیز که زمین، آسمان یا آب‌های خود را در اختیار آمریکایی‌های متجاوز قرار داده‌اند، باید بدانند که پایگاه‌های آمریکا اهداف مشروع ایران به شمار می‌روند و جمهوری اسلامی ایران برای دریافت غرامت از این کشورها نیز عزم جدی دارد و تا آخرین ریال، مطالبات خود را پیگیری خواهد کرد.

سلیمی با تأکید بر جایگاه راهبردی تنگه هرمز در معادلات منطقه‌ای اظهار کرد: تنگه هرمز قلب ژئوپلیتیکی منطقه است و امروز ایران با تسلط بر این تنگه، موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا را تعیین و نظم امنیتی جدیدی را رقم زده است.

اصرار بر مذاکره و اعتماد به دشمن آمریکایی– صهیونیستی هیچ توجیهی ندارد

زهره سادات لاجوردی نماینده تهران در نطق میان‌دستور با انتقاد از رویکرد دستگاه دیپلماسی در قبال آمریکا اظهار کرد: رهبر شهید انقلاب بارها تأکید کرده بودند که آمریکا از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی هیچ‌گاه با نیت خیرخواهانه با ملت ایران برخورد نکرده، از گذشته خود عذرخواهی نکرده و دست از خوی استکباری برنداشته است و اختلاف ایران و آمریکا نیز موضوعی محدود و قابل حل با مذاکره بر سر چند مسئله نیست.

وی افزود: دستگاه دیپلماسی باید تجربه‌های گذشته و خسارت‌های ناشی از اعتماد به آمریکا را مبنای تصمیم‌گیری قرار دهد. با وجود آنچه در سال‌های گذشته بر کشور گذشته و داغ‌های سنگینی که بر ملت تحمیل شده است، اصرار بر مذاکره و اعتماد به دشمن آمریکایی ـ صهیونیستی چه توجیهی دارد؟

صمصامی: نقش نرخ ارز در افزایش تورم و گرانی کالاها نادیده گرفته شده است

خبر دیگر اینکه، حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: با وجود اهمیت موضوع، در مباحث مطرح‌شده هیچ اشاره‌ای به مهم‌ترین عامل افزایش تورم، یعنی نرخ ارز، نشد؛ این در حالی است که بانک مرکزی در این متغیر نقش دارد و خود نیز در افزایش آن مؤثر است.

صمصامی با اشاره به نامه‌ای که در این خصوص دریافت کرده است، گفت: طبق اطلاعات مندرج در این نامه، بیش از ۴۵۰۰ قلم کالا با نرخ توافقی عرضه می‌شوند، اما در مجلس، ریشه مشکلات موجود را نقدینگی و کسری بودجه عنوان می‌کنند.

مجلس برای اقدامات ضدامنیتی اتباع خارجی مجازات نقدی تعیین کرد

در ادامه جلسه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی همچنین گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی درباره طرح مقابله با نفوذ را بررسی و در نهایت با پیشنهاد اصلاح کل ماده ۱۵ این طرح موافقت کردند.

۷ هزار همت دارایی غیرمولد در اختیار دولت است

محسن زنگنه رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، روز چهارشنبه در نشست تخصصی مولدسازی دارایی‌های دولت در هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی نظام مالی، سرمایه‌گذاری و زیرساخت‌های دیجیتال، با اشاره به حجم بالای دارایی‌های غیرمولد دولت اظهار کرد: بر اساس گزارشی که در سال ۱۳۹۹ از سوی دیوان محاسبات و مرکز پژوهش‌های مجلس تهیه شده بود، مجموع دارایی‌های غیرمولد دولت حدود ۷ هزار همت برآورد می‌شد؛ رقمی که با توجه به بودجه آن سال، بسیار قابل توجه بود.

وی با بیان اینکه دارایی غیرمولد به اموالی گفته می‌شود که دولت امکان استفاده مؤثر از آنها را ندارد، افزود: این دارایی‌ها می‌تواند شامل ساختمان‌ها، زمین‌ها و سایر اموالی باشد که بلااستفاده باقی مانده‌اند.

رمزگشایی از حضور ازبکستان در نشست سه‌جانبه مسقط با ایران و عمان

نشست سه‌جانبه وزرای خارجه ایران، عمان و ازبکستان در مسقط با هدف تکمیل زنجیره ترانزیتی شمال- جنوب برگزار شد.

در حالی که گزارش رسانه‌های رسمی داخل کشور از این دیدار بیشتر بر کلیات توسعه همکاری‌های میان‌منطقه‌ای و تقویت کریدور شمال-جنوب متمرکز بود، واکاوی اسناد و گزارش‌های منتشرشده در منابع رسمی ازبکستان از جمله خبرگزاری «دنیا» (وابسته به وزارت خارجه این کشور) و پایگاه‌های خبری تحلیلی تاشکند و مسقط، ابعاد عمیق‌تری از اهداف اقتصادی، لجستیکی و امنیتی این همگرایی سه‌جانبه را آشکار می‌کند. بررسی این منابع نشان می‌دهد که حضور رئیس دستگاه دیپلماسی ازبکستان در این نشست سه‌جانبه، تصادفی یا تشریفاتی نبوده و بر پایه چهار محور راهبردی شکل گرفته است.

همزمانی دیپلماتیک؛ از شراکت راهبردی تاشکند و مسقط تا رایزنی با تهران

نخستین نکته کلیدی که در رسانه‌های ازبکستان بازتاب گسترده‌ای داشت، تقارن زمانی این نشست سه‌جانبه با سفر رسمی و تاریخی «شوکت میرضیایف»، رئیس‌جمهور ازبکستان به سلطنت عمان بود.

بختیار سعیدوف صرفاً برای یک دیدار سه‌جانبه راهی مسقط نشده بود، بلکه به عنوان یکی از اعضای اصلی هیئت عالی‌رتبه سیاسی و اقتصادی همراه رئیس‌جمهور کشورش در سفر دو روزه به عمان حضور داشت.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده در رسانه ازبکی «اوزدیلی» و داده‌های رسمی دولت تاشکند، سفر میرضیایف به مسقط نقطه عطفی در روابط دو کشور بود؛ به گونه‌ای که طرفین سطح مناسبات دوجانبه را به «شراکت راهبردی» ارتقا دادند و بیش از ۳۰ سند همکاری در حوزه‌های گوناگون به امضا رساندند.

در جریان این سفر، سرمایه شرکت سرمایه‌گذاری مشترک ازبکستان و عمان با افزایش دو برابری به ۵۰۰ میلیون دلار رسید و سبد پروژه‌های مشترک دو کشور تا سقف ۵ میلیارد دلار هدف‌گذاری شد.

همزمانی حضور این هیئت بلندپایه ازبکستانی در مسقط با سفر سیدعباس عراقچی به عمان، فرصتی را به وجود آورد تا مسقط میزبان یک ابتکار سه‌جانبه با محوریت پیوند آسیای مرکزی به آب‌های آزاد باشد.

نفوذ شرکت عمانی «اسیاد» در شبکه ریلی ازبکستان

دومین و مهم‌ترین انگیزه تاشکند برای نشستن پای میز مذاکره سه‌جانبه با ایران و عمان، ریشه در موقعیت خاص جغرافیایی این کشور دارد. ازبکستان یکی از تنها دو کشور جهان است که «دو بار در خشکی محصور شده است». از همین رو، سیاست خارجی اقتصادی دولت میرضیایف بر شکستن این حصار جغرافیایی و دستیابی به کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین مسیرهای دریایی متمرکز شده است.

بررسی گزارش‌های خبرگزاری رسمی وزارت خارجه ازبکستان پرده از یک اقدام راهبردی پیشین برمی‌دارد که زیربنای نشست اخیر مسقط را تشکیل می‌دهد.

طبق اسناد رسمی سفارت ازبکستان، در خردادماه سال جاری، هلدینگ بزرگ لجستیکی دولتی عمان یعنی «گروه اسیاد» سهام کنترلی دو پایانه بزرگ لجستیکی و بندر خشک در داخل خاک ازبکستان به نام‌های «یونیورسال لجستیک سرویسز» و «های‌وی لجستیک سنتر» را خریداری کرد.

نکته کلیدی اینجاست که این دو مرکز به تنهائی حدود ۲۵ درصد از کل ترافیک کانتینری ریلی ازبکستان را مدیریت می‌کنند.

علاوه‌بر این، پایگاه خبری اوزدیلی در گزارشی با عنوان «چشم‌دوختن ازبکستان به بنادر عمان برای گسترش صادرات جهانی» فاش کرد که تاشکند قصد دارد از شبکه دریایی گروه اسیاد و بنادر اقیانوسی «دقم»، «صحار» و «صلاله» در عمان به عنوان مرکز اصلی صادرات کالاهای کشاورزی، نساجی، شیمیایی و صنعتی خود به بازارهای آفریقا، اروپا و آسیا بهره ببرد.

ایران؛ حلقه وصل انحصاری میان پایانه‌های تاشکند و بنادر اقیانوسی عمان

سومین محور اصلی حضور ازبکستان در این نشست، جایگاه بی‌بدیل ژئوپلیتیکی ایران در تکمیل این زنجیره لجستیکی است.

همان‌گونه که در گزارش‌های تحلیلی رسانه رسمی وزارت خارجه ازبکستان و همچنین پایگاه تحلیلی «پراودا» تصریح شده است، مالکیت عمان بر پایانه‌های کانتینری در قلب ازبکستان و در اختیار داشتن بنادر پیشرفته در دریای عمان، بِدون وجود یک پل زمینی امن، روان و کم‌هزینه عملاً کارایی اقتصادی نخواهد داشت.

کوتاه‌ترین و به‌صرفه‌ترین مسیر برای اتصال خطوط ریلی و جاده‌ای ازبکستان به بنادر عمان، عبور از شبکه مواصلاتی ایران در چارچوب کریدور بین‌المللی شمال-جنوب و همچنین «موافقت‌نامه عشق‌آباد» است.

بر این اساس، مقامات تاشکند به خوبی می‌دانند که برای به ثمر نشستن سرمایه‌گذاری‌های چند میلیارد دلاری با عمان، نیازمند هماهنگی مستقیم با تهران جهت یکسان‌سازی تعرفه‌های ترانزیتی، تسهیل تشریفات گمرکی در مرز سرخس، ارتقای خطوط ریلی منتهی به بنادر جنوبی ایران و کاهش زمان انتقال بار هستند.

نشست مسقط در واقع تلاشی عملیاتی برای پیوند دادن سرمایه‌گذاری عمانی‌ها در خاک ازبکستان با شبکه ترانزیتی ایران بود.

پیوند ترانزیت و امنیت؛ روایت متفاوت تاشکند و مسقط از تنش‌های منطقه‌ای

چهارمین بعد مهم این نشست، موضوع امنیت منطقه‌ای و ایمنی کشتیرانی است. فراتر از مباحث تجاری، بیانیه‌های رسمی منتشرشده در تاشکند و مسقط نشان می‌دهد که پرونده تحولات سیاسی و امنیتی منطقه بخش مهمی از رایزنی‌های سه وزیر خارجه بوده است.

بختیار سعیدوف، وزیر خارجه ازبکستان، در پیام رسمی خود که در خبرگزاری «دنیا» و رسانه‌هایی چون «قلم‌پیر» و «یوز» منتشر شد، علاوه‌بر موضوع ترانزیت، به صراحت به دغدغه‌های امنیتی کشورش اشاره کرد و نوشت: «در جریان این مذاکرات، مسائل مربوط به گسترش روابط تجاری و اقتصادی، توسعه همکاری‌ها در حوزه حمل‌ونقل و لجستیک و بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های ترانزیتی موجود را بررسی کردیم. همچنین درباره وضعیت منطقه تبادل نظر کردیم و بر ضرورت حل‌وفصل تنش‌های موجود از طریق ابزارهای دیپلماتیک و ادامه گفت‌وگو میان طرف‌ها تأکید داشتیم.» همزمان، وزارت امور خارجه عمان و روزنامه «مسقط دیلی» نیز در گزارش رسمی خود از این نشست سه‌جانبه تصریح کردند که وزرای خارجه سه کشور بر «ضرورت تضمین حرکت بی‌وقفه کشتیرانی بین‌المللی و امنیت تجارت دریایی شامل عملیات صادرات و واردات برای حفظ ثبات بازارها» هم‌داستان بودند.

به گزارش تسنیم، از نگاه تاشکند، سرمایه‌گذاری سنگین روی کریدور ترانزیتی ایران و بنادر عمان تنها زمانی بازدهی پایدار خواهد داشت که تنش‌های نظامی در غرب آسیا از مسیر دیپلماسی مهار شود و امنیت خطوط کشتیرانی در خلیج‌فارس و دریای عمان تضمین بماند. بر این اساس، همسویی سیاست خارجی عمل‌گرایانه ازبکستان و عمان در کنار موقعیت ترانزیتی ایران، مثلثی راهبردی را برای اتصال آسیای مرکزی به بازارهای جهانی شکل داده است.

سردار معروفی:

تفکر بسیجی، آمریکا را زمین‌گیر کرده است

معاون فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای سپاه با اشاره به نقش تفکر بسیجی در مواجهه با نظام سلطه اظهار کرد: همین تفکر امروز اشرار عالم و دشمنان ملت ایران، به‌ویژه آمریکا را زمین‌گیر کرده است.

سردار حسین معروفی، معاون فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم رونمایی از تولیدات هنری هفته بسیج با تبریک هفته بسیج مستضعفین و قدردانی از دست‌اندرکاران تولید آثار فرهنگی و هنری این هفته اظهار کرد: بسیج به تعبیر امام خمینی(ره) شجره طیبه است و ریشه‌های آن در مکتب اهل‌بیت(ع)، فرهنگ عاشورا و مکتب وحی قرار دارد.

وی با بیان اینکه نطفه بسیج در عاشورا بسته شد، افزود: بسیج با هدایت، اذن و توفیق الهی در سال ۱۳۵۸ به دست مبارک امام خمینی(ره) بنیان‌گذاری شد و امروز آثار و برکات این شجره طیبه را فراتر از جغرافیای ایران بزرگ مشاهده می‌کنیم.

تفکر بسیج به جغرافیای ایران محدود نمانده است

معاون فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای سپاه با اشاره به پیام تاریخی امام خمینی(ره) درباره تشکیل بسیج مستضعفین در روزهای پایانی جنگ تحمیلی گفت: امروز مفهوم آن پیام و نگاه راهبردی امام را به‌خوبی مشاهده می‌کنیم؛ چراکه تفکر بسیج و فرهنگ مقاومت دیگر محدود به جبهه مقاومت نیست و آزادی‌خواهان جهان با گرایش‌های سیاسی، قومی و مذهبی متفاوت، مقاومت را به‌عنوان رمز پیروزی، عزت و شرافت پذیرفته‌اند.

معروفی ادامه داد: استمرار بسیج از مکتب وحی سرچشمه می‌گیرد و رسالت آن صیانت از انقلاب اسلامی، حفظ دستاوردهای انقلاب و تلاش برای پیشرفت و پیش‌برندگی نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

وی با تأکید بر اینکه بسیج صرفاً یک ساختار یا مجموعه سازمانی نیست، تصریح کرد: آنچه اهمیت دارد، تفکر بسیجی است؛ تفکری که در میدان‌های مختلف انقلاب اسلامی و در میان ملت بزرگ ایران حضور و نمود دارد.

آمریکا، هیچ‌گاه به اندازه امروز دچار ذلت نبوده است

معاون فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای سپاه با اشاره به نقش تفکر بسیجی در مواجهه با نظام سلطه اظهار کرد: همین تفکر امروز اشرار عالم و دشمنان ملت ایران، به‌ویژه آمریکا را زمین‌گیر کرده است. دشمن اصلی ما یعنی استکبار جهانی و نظام سلطه به سرکردگی آمریکا، هیچ‌گاه به اندازه امروز دچار ذلت، خواری و حقارت نبوده است و این نتیجه ایستادگی مبتنی بر تفکر بسیجی است.

معروفی با اشاره به ابعاد مختلف این تفکر خاطرنشان کرد: ممکن است برخی، بسیج را صرفاً در چارچوب دفاع ملی و حفاظت از سرزمین، امنیت و ناموس تعریف کنند؛ این نگاه نیز مقدس است، اما تفکر بسیجی مفهومی عمیق‌تر دارد و باید فرهنگ و اندیشه آن را شناخت؛ فرهنگی که از مکتب اهل‌بیت(ع) و عاشورا سرچشمه می‌گیرد.